

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد، تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

عین الدین "نذیری" - المان
۲۶ مارچ ۲۰۱۶

ذکر نکاتی چند

فکر می کنم که یک سال و یا بیشتر از آخرین مقاله ای سپری می شود که به صفحه محبوب و مورد نظرم، "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" فرستاده بودم. درین مدت طولانی با وجود نفرستادن مطلبی جهت نشر، همیشه و روزمره با صفحات این پورتال مشغول بوده ام، در هر جایی که به سر برده و اینترنتی در دسترس بوده است. دوستی دارم که به گفته المانها از هسپانیه می آید و انسانی است بی آزار، باصفا، خوش اخلاق، مؤدب و در عین حال بسیار مذهبی، به درجه ای که بعضاً اوراق دیانت عیسوی را در سرک ها و خیابان ها توزیع می کند. او که در همسایگی بلافصل ما زندگی دارد، از احوال خوب آگاه است و نسبت به افغانستان نیز اظهار علاقه می نماید. بعضاً ورق پاره های مسیحیت را که به لسان فارسی باشد در صندوق پوستی من می اندازد. در آخرین بروشوری که در دسترسم قرار داده، قصه حضرت آدم و حوا و داستان رانده شدن شان از بهشت به صورت مصور تجسم یافته است. این داستان به روایات دین مقدس اسلام هم کم و بیش همخوانی دارد. این که این داستان مورد قبول کسی است یا نی و یا این که خود شخصاً بدان اعتقاد دارم یا ندارم، خاطر را مشوش نمی سازد. آنچه از مدتی ذهنم را به خود مشغول ساخته است، موضوعاتی اند که نمی دانم کسی بدان فکر کرده است یا نی. در هر صورت چند نکته اش را به پیشگاه پورتال معظم و متصدیان محترم و بالخاصه نویسندگان نخبه آن که در مسائل ایدئولوژیک قلم می زنند تقدیم کرده و از ایشان استمداد می کنم، تا مرا در زمینه رهنمائی کنند. مخاطب من علاوه از نقادان دین، هریک جناب آزاد ل، جناب سدید صاحب، جناب داکتر سها، مخصوصاً جناب داکتر صاحب امین الدین سعیدی می باشند تا در زمینه روشنائی بیندازند. کوشش می کنم، سؤالاتم را کوتاه مطرح نمایم اما توقع این نیست، که جوابات هم کوتاه و مختصر باشند. چون هر قدر جوابات مفصل و مشرح عرضه شوند، می توانند بیشتر باعث اقناع من و امثال من شوند. اینک سؤالات:

- ۱ - چرا وقتی در قرآن کریم از انسان سخن می رود، مخاطب همیشه مرد است؟
- ۲ - چرا نامهای خداوند متعال در قرآن شریف همه و بدون استثناء به صیغه مذکر آمده است؛ از قبیل علیم و کبیر و نذیر و بصیر و سمیع و وهاب و تواب و رحمان و رحیم و غفور و شکور و اول و آخر ...؟

۳ - چرا برای خداوند پاک در قرآن عظیم الشان اوصافی ذکر گردیده است، که در بنی آدم نیز دیده می شود؛ مثل شنوایی، گویائی، بینائی، دانائی و رحم و بخشایش و مکر و قهر و غضب ...؟! در حالی که خالق و مخلوق نباید صفات و خواص مشترک داشته باشند!

۴ - ازین میان نکته ای را بیشتر متبازل ساخته می پرسم، که چرا قرآن را باید کلام خداوند بدانیم، در حالی که کلام و سخن گفتن خاصه انسانی هم هست؟
امیدوارم که این مخاطبان آگاه که هرکدام عالم اند و در دانش خود تبحر دارند، به پاسخ و اقتناعم پردازند و وسوسه ای را که درین باره نزدم موجود گشته و آزارم می دهد، مرفوع سازند.
امتنانم را ازین دانشوران عالی مقام پیش از پیش ابراز می دارم.